

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال دهم، شماره‌ی سی‌ونهم، بهار ۱۳۹۸، صص ۷۵-۱۰۵
(مقاله علمی - پژوهشی)

تصویرشناسی زنان در سفرنامه‌ی مقدسی

مهناز عباسی^۱

چکیده

تصویر زنان اقوام و کشورها از منظر شاعر یا نویسنده‌ی خارجی از موضوعات دانش تصویرشناسی است که زیرمجموعه‌ی «ادبیات تطبیقی» قرار می‌گیرد و در شناخت جایگاه زنان و نگرش به آنها در جوامع نقش مهمی ایفا می‌کند. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که مقدسی از چه منظرهایی زنان را توصیف کرده است؟ چرا و کدام‌یک از تصاویر و ویژگی‌های زنان در سفرنامه‌ی مقدسی چشمگیرتر است؟ رویکرد این مقاله توصیفی-تطبیقی و آماری، و نحوه‌ی گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. در مجموع، نگاه مقدسی به موضوعات اجتماعی و مسائل زنان عاری از یکسونگری است. او در گذر از اقلیم‌های عرب و عجم نگاه بالا به پایین ندارد. سفرنامه‌ی او نه تک‌گویی بلکه گفتگویی است که در آن افکار، رسوم و حتی خرافه‌های ساکنان اقلیم‌ها به بحث گذاشته می‌شود. نویسنده با ثبت تفاوت‌های فرهنگی آشکار در مناطق مختلف ایران، مشخصه‌ی مشاغل زنان را با رویکرد بسیار مثبت برجسته کرده است. مقدسی رویکرد منفی خود را گاه در قالب نفرت، گاه اظهار شگفتی و تمسخر یا کنایه بازگو می‌کند. نگاه ارزشی او به همه‌ی مسائل غیرقابل‌انکار است.

واژه‌های کلیدی: تصویرشناسی، سفرنامه، احسن‌التقاسیم مقدسی، زنان

۱. استادبار گروه معارف دانشکده الهیات دانشگاه الزهرا (س)، (m. abbasi@alzahra. ac. ir)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۳۰، تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۴/۲

مقدمه

شاید در متون مقدس دینی، تشویقی رساتر از آیات «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا» (انعام/۱۱) و «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» (حجرات/۱۳) برای سفر و جهانگردی نتوان یافت. مسافرت و ارتباط با هموعان از جنبه‌های حیات اجتماعی بشر است. شناخت گروه‌ها و جوامع انسانی از یکدیگر و افزایش دانش بشری دستاورد بزرگ سفرنامه‌نویسی است. سه عامل حج، بازرگانی و تجارت و کسب دانش از عوامل مهم رشد سفرها در میان مسلمانان است. (ابن خردادبه، ۱۳۷۰، ۱۰) در دنیای اسلام در فاصله‌ی قرن دوم تا چهارم، توجه به سفر و به دنبال آن سفرنامه‌نویسی نضج گرفت. یکی از سفرنامه‌های بسیار مهم قرن چهارم «احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم» مقدسی، و تألیف سال ۳۷۵ هجری است.

پژوهش پیش رو درصدد است تصویر زنان را در این سفرنامه بررسی کند. مقدسی کوشیده با بیان اوضاع و احوال ممالکی که به آنها سفر کرده، خط‌سیری از آداب و رسوم ملل و اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مردم را از مکه و مدینه تا کرانه‌ی سند در هند و تا آندلس در یک مجموعه گردآوری کند. این اثر مردم‌شناسی بی‌نظیر علاوه بر توصیف شهرها، راه‌ها، مذاهب، عقاید، خرافه‌ها، شیوه‌های حکومت و آداب و رسوم، درباره‌ی زنان نیز سخن گفته است. آداب و رسوم ملل مختلف مانند ظرفی شیشه‌ای است که مظروفش یعنی فرهنگ و نوع اندیشه را نیز نشان می‌دهد.

سبک و موضوع نگارش اغلب کتاب‌های تاریخی تا قرن هجدهم، تاریخ سیاسی و زندگی (شاهان و سیاست‌مداران) بوده و موضوعاتی مانند زنان، کودکان، اقلیت‌ها، مهاجران، مردم عادی و دانش‌های قومی و بومی اساساً مورد توجه مورخان قرار نمی‌گرفتند. تصویر زنان به‌عنوان نیمی از جامعه‌ی انسانی در آثار پیشینیان به دلایل مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی کم‌رنگ بوده است. در کتب مورخان مسلمان نیز قاعده‌ی غالب، نادیده‌گرفتن زنان بود. هرچند سفرنامه‌ها از این حکم کلی تبعیت نمی‌کنند و به دلیل توجه به «زندگی روزمره» تصویر زنان را نیز می‌نمایانند. چهره‌ای که مقدسی در سفرنامه‌اش از زنان منعکس می‌کند غلبه بر باورها و قالب‌های محدودکننده‌ای است که

زندگی زنان را احاطه کرده است. شاید این اظهارنظر ابن‌خوه در قرن ۶ و ۷ بتواند فضای بسته‌ی فکری در مورد زنان را ترسیم کند: «بر زنان حرام است که به گرمابه روند مگر آنکه نساء باشند یا بیمار... و مکروه است که مرد هزینه‌ی حمام زنان را بدهد زیرا به انجام یک مکروه کمک رسانیده است» (ابن‌خوه، ۱۳۶۰، ۱۶۲-۱۶۰). به‌رغم وجود چنین تفکری، مقدسی در *احسن‌التقاسیم* علاوه بر پرداختن به اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه‌ای که به آن سفر می‌کند به بازتاب تصویر زنان در پهنه‌ی جهان اسلام آن روز نیز پرداخته است. وی حتی از یادآوری نامگذاری اماکن (دژ خواهران)، دولت‌ها (بنی بانوا، دولت سامانی) و روزهای خاص (جشن برباره) به نام زنان در سفرنامه‌ی خود دریغ نکرده است. این پژوهش بنا دارد براساس روش تصویرشناسی به این سؤالات پاسخ دهد: مقدسی از چه منظرهایی زنان را توصیف کرده است؟ چرا و کدام‌یک از تصاویر و ویژگی‌های زنان در سفرنامه‌ی مقدسی برجسته‌تر است؟

شناخت ویژگی‌ها و فرهنگ جوامع مختلف از رهگذر آثار ادبی به ویژه سفرنامه‌ها، دانشی است که «تصویرشناسی»^۱ نامیده می‌شود. «تصویر» در تصویرشناسی، بازنمایی یا وجهی ذهنی یا استدلالی یک فرد، گروه یا ملت است (نانکت، ۱۳۹۰، ۱۱۱). تصویرشناسی از رشته‌های فرعی «ادبیات تطبیقی» است که در قرن نوزدهم در فرانسه پدید آمد. این دانش رویکردی میان‌رشته‌ای دارد و از رشته‌هایی مانند تاریخ ادبیات، تاریخ سیاسی، روانشناسی اجتماعی و نشانه‌شناسی استفاده می‌کند. ژان ماری کاره تصویرشناسی را تفسیر متقابل ملت‌ها و سفرها تعریف کرد. تصویرشناسی با دو نوع متن سر و کار دارد: سفرنامه‌ها و آثار داستانی‌ای که شخصیت‌هایشان خارجی‌اند یا تصویری کلی از یک کشور خارجی به دست می‌دهند (همان، ۱۰۵). هدف تصویرشناسی بررسی تصویر فرهنگ خودی در ادبیات دیگری یا فرهنگ دیگری در ادبیات خودی است. گویی سفرنامه‌نویس با عینکی از پیش‌فرض‌ها و دانسته‌های خود به دیدار جامعه‌ی دیگر می‌رود. تصویرشناسی در پی شناخت دیدگاه من (سفرنامه‌نویس) به دیگری (جامعه‌ی مورد مطالعه) است. تصاویر تا حد زیادی متأثر از پیش‌داوری‌ها، ایدئولوژی، فرهنگ و مؤلف تصویرساز و مخاطب

۱. Imagology، یکی از گونه‌های ادبی که در تصویرشناسی به بازنمود آن می‌پردازند سفرنامه‌ها هستند.

تصویرخوان است (نامور مطلق، ۱۳۸۸، ۱۲۶). به‌طور کلی، سفرنامه گزارش تقابل میان خود و دیگری است. سفرنامه‌ها دو جنبه‌ی اساسی دارند: از سویی جهانی وسیع‌تر از محدوده‌ی قلمرو جهان خودی را روایت می‌کنند، و از سوی دیگر ارزش‌ها، معیارها، دغدغه‌ها و آبخورهای فرهنگی مسافر را آشکار می‌سازند (کاتب، ۱۳۹۶، ۱۱۳).

در عصر ارتباطات، حوزه‌ی ادبیات تطبیقی بینارشته‌ای و بیناتمدنی است. روابط بینافرهنگی موجب فربه‌شدن ادبیات و به‌طور کلی فرهنگ یک جامعه می‌شود. دانش‌های تطبیقی که ادبیات یکی از مهم‌ترین آنهاست نقش مفصل‌های معرفتی را به عهده دارند تا دانش‌های گوناگون با یکدیگر پیوند بخورند (نامور مطلق، ۱۳۹۳، ۳). محقق ادبیات تطبیقی در مورد بافتی که نویسنده در آن یک فرهنگ یا شخصیت‌های یک فرهنگ دیگر را تصویرپردازی می‌کند، بسیار حساس است (همان، ۱۲۷).

در راستای شناخت تصویر زنان در متن کتاب، در این پژوهش، پس از دسته‌بندی اطلاعات در پنج مشخصه‌ی مشاغل زنان، مناسبات خانوادگی و انحرافات جنسی، پوشش، آداب و رسوم ازدواج و باورهای خرافی مربوط به زنان، نکات مهم و برجسته‌ی این گزارش‌ها دسته‌بندی و تبیین می‌گردد. بنابراین در گام اول ویژگی‌های زنان اقلیم‌ها در سفرنامه در پنج مشخصه توصیف می‌شود. در گام دوم تصاویر برجسته‌تر رده‌بندی و تنوع مشخصه‌ها در زنان مناطق مختلف شمارش می‌شود. و در گام آخر به برخی عوامل موثر بر نگرش مقدسی در مورد زنان پرداخته می‌شود.

پیرامون سفرنامه‌ی مقدسی در حوزه‌ی نظری و از منظر علوم مختلفی مانند مردم‌شناسی و تاریخ پژوهش‌هایی انجام شده است. از میان پژوهش‌های انجام‌شده می‌توان به پایان‌نامه‌ی علیرضا قبادی با موضوع «مردم‌شناسی تاریخی قرن چهارم هجری، نمونه‌ی مورد مطالعه: *احسن‌التقاسیم*» به راهنمایی محمود روح‌الامینی در زمستان ۱۳۷۰ در دانشگاه تهران اشاره کرد. مقاله‌های «مقدسی و *احسن‌التقاسیم*» (۱۳۸۱) از محسن رحیمی‌فر و «رخداد فهم در *احسن‌التقاسیم*» (۱۳۹۰) نوشته‌ی صالح پرگاری و علی منصوری، و نیز «مقدسی و کتاب *احسن‌التقاسیم*» (۱۳۸۴) نوشته‌ی شاکر الفخام و ترجمه‌ی حسین علینقیان نمونه‌های دیگری هستند که در آنها علاوه بر توصیفی از سفرنامه، به

معرفی مبانی نظری و روش‌شناسی آن پرداخته شده است. به سفرنامه‌ی مقدسی از دیدگاه‌های دیگر نیز پرداخته‌اند، مثلاً در «بازار در سفرنامه‌ی ناصر خسرو و احسن‌التقاسیم مقدسی» (۱۳۸۲) اثر مینو امیرقاسمی. علی‌رغم تلاش‌های فوق، تاکنون تحقیق مستقلی درباره‌ی جایگاه و تصویر زنان در سفرنامه انجام نشده است. نویسندگان نیز ادعایی برای ارائه‌ی تصویری کامل از چهره‌ی زنان در کلیه‌ی کشورهای اسلامی در قرن چهارم ندارد.

معرفی نویسنده

محمدبن احمدبن ابوبکر بنای شامی مقدسی، زاده‌ی ۳۳۱ تا ۳۳۴ و درگذشته‌ی پس از ۳۸۱ هجری است. جد پدری‌اش، ابوبکر بنا سازنده‌ی استحکامات عکا برای احمدبن طولون بوده، و جد مادرش ابوطیب شواء از بیار قومس (کومش) ایران، از بخش بیارجمند شهرستان شاهرود در استان سمنان از نواحی شمالی کویر مرکزی ایران است. بنابراین از سوی مادر ایرانی و از سوی پدر فلسطینی است. مقدسی خود را سنی حنفی می‌داند ولی خلافت شیعی مصر را بر خلافت سنی بغداد ترجیح می‌دهد (حموی، ۱۳۸۰، ۱/۵). محققان مذهب او را التقاطی دانسته‌اند (مقدسی، ۱۳۸۵، xix) و علت نبود تعصب مذهبی وی را سفرهای بی‌شمارش قلمداد کرده‌اند و معتقدند جهان‌گردی‌های گسترده برای مقدسی امکان روآوردن به تسامح و تساهل دینی و خروج از تعصب را فراهم آورده است (پیرگاری و منصوری، ۱۳۹۰، ۱۷). در سخن نویسنده در تمام صفحات، انصاف، صداقت و بی‌طرفی نمایان است (الفخام، ۱۳۸۴، ۲۰). توصیفات مقدسی از مکان‌ها، عادات، ویژگی‌ها، تجارت‌ها و صنایع، کتاب او را بهترین کتاب در میان سلسله تألیفات مسلمانان در قرون میانه ساخته است (لسترنج، ۱۳۷۳، ۲۸). صداقت در گفتار از ویژگی‌های کتاب مقدسی است. او کوشیده است آنجا که به منابع شناخت دسترسی ندارد از گزارش و قضاوت صرف‌نظر کند. مثلاً در مورد آندلس و سبند چنین رویکردی دارد. مقدسی در رخدادهای متأثر از پیش‌داوری‌ها بوده است. شناخت وی از جهان و دنیای پیرامون و تقسیم جهان آن روز به جهان اسلام و جهان کفر، متأثر از سنتی اسلامی به ارث‌رسیده به او بود. در رخدادهای فهم مقدسی، متن بیش از همه دنیای آن روزگار است و دایره‌ی متن را نباید لزوماً به متن

مکتوب محدود کرد (مقدسی، ۱۳۸۵، ۴۰). از آنجا که او هم عربی می دانست و هم فارسی، توانست با مردم سرزمین هایی که به آنها سفر می کرد ارتباط خوبی برقرار کند. بنابراین سفرنامه ی او نه تک گویی بلکه گفتگوست. کتاب وی سرشار از اطلاعاتی است که بعدها توسط سایر جغرافی نگاران تأیید و نقل شده است.

شیوه ی نگارش وی با سایر جغرافی نگاران معاصر مانند ابن حوقل و اصطخری این تفاوت را دارد که وی تنها به جغرافیای طبیعی شهرها و اقلیم ها توجه نکرده، بلکه هنگام ورود به هر شهر موضوعات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، دینی و حتی مردم شناسی آن اقلیم را مورد مذاقه قرار داده است. این نکته سبب تمایز/حسن/التقاسیم با سایر کتب مسالک و ممالک گردیده است.

وضعیت اجتماعی و فرهنگی در هریک از این کشورها متأثر از وضعیت سیاسی آن بوده است. از آنجا که مقدسی زاده ی غرب جهان اسلام (فلسطین) است و نسب مادری وی به شرق جهان اسلام (ایران) می رسد، باید دید حاکمان شرق و غرب جهان اسلام در آن روزگار چه کسانی بوده اند. دوران زندگی وی مصادف با خلافت الطائع لله ابوبکرین فضل عباسی (۳۶۳-۳۸۱ هجری) بر شرق جهان اسلام بوده است. در همین دوران، غرب جهان اسلام نیز شاهد سال های پایانی فرمانروایی سعدالدوله پسر سیفالدوله، از امیران حمدانی شمال شام بود. حکومت های محلی در این دوره در رقابت بودند. مقدسی در چنین فضایی زاده و بزرگ شد. تنوع مراکز قدرت در جهان اسلام از او فردی عاری از تعصب سیاسی ساخت. وجود نحله ها و نگرش های فکری متنوع در جهان اسلام نیز بر آزادفکری وی تأثیر عمیقی نهاد.

اساساً از زمان خلیفه ی قبلی (المطیع لله)، آل بویه بر خلفای عباسی تسلط یافتند. یکی از شواهد اقتدار امیران بویه ای و دیلمی در این دوره^۱ عزل خلیفه در سال ۳۸۱ هجری با نامه ای از سوی بهاءالدوله ی دیلمی است. دولت آل بویه ضمن تمایل به تشیع دارای

۱. مقدسی شرایط سیاسی زمانه ی خود را این گونه شرح می دهد: عراق (بغداد) پایگاه خلفای عباسی بود. فرمان همیشه فرمان ایشان می بود تا آنکه زبون گشتند و دیلمیان بر آنان چیره شدند. اکنون کسی به فرمان ایشان گوش فرا نمی دهد (۱۸۲).

روحیه‌ی تسامح و تساهل بود و همین سیاست باعث جمع شدن افراد مستعد شیعه و سنی و اظهارنظر آزادانه‌ی آنان می‌گردید (فدایی عراقی، ۱۳۸۳، ۲۷ و ۶۸؛ فقیهی، ۱۳۷۸، ۲۶). از این رو نویسنده‌ای مانند مقدسی نیز که عاری از تعصب مذهبی و سیاسی بود و در جرگه‌ی حدیث‌دانان و فقهای زمان خود به حساب می‌آمد، توانست در مقام یک جهانگرد نزد امرای ادب‌پرور آل بویه جایگاه والایی کسب کند، به گونه‌ای که خود در متن کتاب می‌نویسد: «برای تکمیل اطلاعات خود به بایگانی‌های رسمی و کتابخانه‌های آل بویه (عضدالدوله) و صاحب اسماعیل بن عباد، وزیر دانشمند دیلمیان مراجعه داشته‌ام» (مقدسی، ۱۳۸۵، ۶). تسامح مذهبی آل بویه که حتی شامل اهل ذمه و قرمطیان هم می‌شد تا قرن‌ها بعد در افکار مردم ایران تاثیر گذاشت (ایمانی‌فر، ۱۳۸۹، ۳۱۸).

سفرنامه‌ی *احسن‌التقاسیم فی معرفه‌الاقالیم* مقدسی شامل یک پیشگفتار و دو بخش است. در بخش اول، به شش اقلیم عربی (جزیره‌ی عرب، عراق، اقور، شام، مصر و مغرب) و در بخش دوم به سرزمین ایران (خاوران، دیلم، کوهستان، خوزستان، فارس، کرمان و سرزمین سند) می‌پردازد. نویسنده در مقدمه (۱۱)، کتاب را به خلیفه‌ی وقت، عبدالکریم الطائع‌الله اهدا می‌کند که هم‌عصر حاکم غرب جهان اسلام ابومنصور نزار عزیز بالله (در حدود سال ۳۷۵) بود. حموی نیز تاریخ نگارش کتاب را سال ۳۷۵ هجری می‌داند (حموی، ۱۳۸۰، ۱/۵).

۱. مشخصه‌های ارائه‌شده در مورد زنان در *احسن‌التقاسیم*:

تصویر زنان در سفرنامه‌ی مقدسی از پنج منظر قابل‌بررسی است. پس از مقدمات فوق‌الذکر، به ارائه‌ی اطلاعات، دسته‌بندی و تحلیل آنها در پنج مشخصه‌ی مشاغل بانوان، مناسبات خانوادگی و انحرافات جنسی، پوشش، رسوم ازدواج و باورهای خرافی می‌پردازیم:

۱-۱. مشاغل زنان

با تعاریف امروزی از شغل به معنای هرگونه فعالیتی که فرد با انگیزه‌های علمی، اجتماعی، فرهنگی یا مالی آن را انجام دهد، حرفه‌های ذکرشده برای زنان در سفرنامه‌ی مقدسی نیز

شامل فعالیت‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی (تولیدی)، بازرگانی، خدماتی، مدیریتی، سیاسی، پرستاری، هنری و خانه‌داری است.

فعالیت علمی

مقدسی برای نمایاندن تصویر زنان در عرصه‌ی علمی، از روایان حدیث و از آن جمله عایشه، همسر پیامبر نام می‌برد. گزارش‌های صفحات ۱۰۷ و ۱۱۲ و ۱۱۷ بیانگر اهمیت روایات نقل‌شده توسط ایشان است. در متن روایت اول به استماع سخنان عایشه توسط اصحاب کبار و تغییر بنای کعبه براساس روایت منقول از ایشان تصریح می‌شود.^۱ ذکر این موارد از سوی مقدسی نشان‌دهنده‌ی موقعیت روایان حدیث زن در قرون اولیه و اقبال و پذیرش عمومی نسبت به این رویه است.

فعالیت فرهنگی، اجتماعی

از نمونه‌های این نوع فعالیت، ساخت مسجد، ساخت سقاخانه، وقف زائر سرا (۲۰۵ و ۲۸۳) به دست دو بانو در عراق و فسطاط و دستور ساخت یکی از چهار درگاه قبه‌الصخره به دست مادر مقتدر عباسی (۲۳۷)^۲ است. گرچه فعالیت زنان در حوزه‌ی وقف در عراق پررونق قرن چهارم از سوی بانوانی از طبقات بالای جامعه و خاندان‌های متنعم گزارش شده است، ولی این استقلال اقتصادی برای زنان در این قرن بسیار حائز اهمیت است. ضمن اینکه حکومت اسلامی با پدیده‌ای به نام وقف، خدمات عام‌المنفعه ارائه می‌کرد.^۳

۱. «عایشه گفت: از پیغمبر پرسیدم آیا حجر از خانه‌ی کعبه است؟ گفت آری. گفتم پس چرا آن را درون خانه ننهاندند؟ گفت پول قبیله‌ات کم آمد. گفتم پس چرا درگاه خانه را بالا نهاده‌اند؟ گفت قبیله‌ات چنین کردند تا هرکس را بخواهند راه دهند ... چون خبری نشد کعبه را مطابق آنچه عایشه گفته بود بساخت و مردم بازگشتند.»

۲. دستور ساخت یکی از چهار درگاه قبه‌الصخره توسط مادر المقتدر بالله عباسی، نام‌گذاری آن درگاه به نام نساء و زران‌دودکردن هر چهار در و ساختن سردر زیبا برای هر درگاه.

۳. «در نینوای باستانی بر سر تپه‌ای به نام تل توبه مسجدی و خانه‌ای برای زائران هست که آن را جمیله دخت ناصرالدوله ساخته و موقوفاتی برایش نهاده است» (۲۰۵). نیز «در بیرون شهر جایی است که گنبد‌های بسیار و سقاخانه‌ها دارد به نام قرافه، جامعی دارد که خانم ام‌المغربی آن را ساخته است.»

براساس پژوهش‌های تاریخی، در عصر طلایی تمدن اسلامی زنان از ارکان بسیار فعال حوزه‌ی وقف بوده‌اند و این فعالیت منحصر به زنان ثروتمند یا باسواد نبوده است (احمدی، ۱۳۸۷، ۳۲).

تلاشی دیگر در عرصه‌ی فرهنگی توصیف مقدسی از زنی سخنور و شجاع است که توانسته طی گفتگویی با مأمون با نطق رسا و بلیغ خود شهر مرو را از غیربومیان نجات دهد و مأمون را از شهر بیرون راند (۴۳۴). در نوع واژگان مقدسی، گونه‌ای تحسین و تمجید برداشت می‌شود، گرچه با زیرکی، این مدح را از زبان گوینده‌ی داستان به گوش مخاطب خود می‌رساند.

فعالیت اقتصادی

تولیدی: فعالیت زنان در منطقه‌ی دیبل در نزدیکی اردبیل امروزی^۱ (۵۶۵ و ۵۶۷) رنگ‌سازی، در جیحون گونی‌بافی (۴۱۱)، و در خوزستان فرش‌بافی و پشم‌ریسی است (۶۰۹).^۲

بازرگانی: فروشندگی در خانه‌ها در منطقه‌ی دیلمان و شهر بیار^۳ (۵۴۷) و نیز حضور زنان در هفته‌بازارها و شرکت ایشان در مراسم کشتی در دیلمان (۵۴۶)^۴ را می‌توان مثالی برای فعالیت بازرگانی به شمار آورد. تفاوت‌های فرهنگی در اقلیم‌های متفاوت جهان اسلام در آن زمان آشکارا بر مشاغل زنان اثر می‌گذاشت. نکته‌ی قابل توجه دیگر، مشارکت فعال زنان در عرصه‌های اقتصادی، براساس تنوع معیشتی سده‌ی چهارم است: در صنعت

۱. «در سه فرسنگی «دیبل» دیری سفید است از سنگ که تندیس مریم در آنجاست ... همان‌جا قرمز یافت می‌شود و آن کرمی است که در خاک پدید آید، پس زنان بدان‌جا شده، با وسیله‌ای مسین آنها را گرفته در تاوه اندازند.»

۲. در توصیف شهر بصرّا در خوزستان می‌گوید: «زن و مردش فرش‌بافی و پشم‌ریسی می‌کنند.» نیز در صفحه‌ی ۴۱۱ در توصیف دارزنجی در سمت جیحون شغل بیشتر مردم را پشم‌ریسی و گونی‌بافی معرفی می‌کند.

۳. «دکان‌ها در خانه است و فروشندگان زنان هستند.»

۴. «ایشان در آن دشت (منطقه‌ی دیلمان) هفته‌بازارها دارند، برای هر دیه یک روز را نهاده‌اند و پس از پایان بازار، زنان و مردان به جایگاه کشتی‌گرفتن روند. داور آنجا نشسته، طنابی به دست گرفته، هرکس پیروز شود یک گره بر آن می‌بندد.»

رنگ‌سازی در منطقه‌ی شمال غرب ایران، در پشم‌ریسی و فرش‌بافی در جنوب غربی ایران، و در هفته‌بازارهایی که تا به امروز نیز در شمال ایران به یادگار مانده‌اند و موقعیتی برای عرضه‌ی محصولات مختلف دامی، کشاورزی و طیور بوده‌اند.

خدماتی: پاسداری گرمابه در اصفهان (۵۹۸) و شیراز (۶۵۵)^۱، نگاهبانی در اردوگاه‌های شهر مینا (۱۱۰)^۲ و کنیزی و خدمتکاری (۳۸۲، ۴۹۹) عرصه‌های دیگری برای تلاش زنان بوده‌اند.

پادشاهی و نمایندگی: پادشاهی در تنگه‌ی هرمز (۱۹)^۳، والاترین شغلی است که برای زنان در سفرنامه ذکر شده است، هرچند در این مورد که آیا این رویداد به دوره‌ی اسلامی بازگردد تردید وجود دارد. همچنین می‌توان به نمایندگی شاهزاده‌ی ساسانی و ارسال وی نزد حجاج و ولید، و سفارت و همسری یکی از خلفای اموی نیز اشاره کرد (۳۷۱)^۴. هنری: آوازه‌خوانی در ارجان^۵ (بهبهان). گرچه مقدسی توضیح روشنی درباره‌ی کیفیت این آواز و زنان خواننده‌اش نمی‌دهد، نفس فعالیت هنری قابل تأمل است، چرا که در عبارت مقایسه‌گونه‌ی او نوعی تصریح به آوازخواندن زنان در سایر شهرها وجود دارد. (۶۳۹) پرستاری: شغل دیگری که از نگاه مقدسی دور نمانده راهبانی بوده‌اند که در شهر موصل هم‌زمان با سفر وی به بیماران صعب‌العلاج مانند مبتلایان به هاری خدمت می‌کرده‌اند (۲۰۵، درمکانی به نام دیر الکلب)^۶.

۱. شغل برخی از زنان شیراز را (مانند اصفهان) پاسداری گرمابه معرفی می‌کند.

۲. در وصف مینا می‌گوید «کمتر اردوگاه هست که زنی نگاهبان در آن نباشد.»

۳. در توصیف تنگه‌ی هرمز به پادشاه عرب آن سرزمین اشاره می‌کند و می‌گوید: «گویند یک‌هزارو هفتصد جزیره است که پادشاهشان یک زن است. کسی که بدانجا رفته می‌گفت این شهبانو برهنه بر تخت نشیند و تاج بر سر نهد و چهارهزار کنیز پشت سر وی برهنه ایستاده‌اند.»

۴. هنگامی که قتیبه بن مسلم بر فیروز پسر کسری چیره شد، دختر وی شاهین را با یک سبط (جامه‌دان) به نزد حجاج فرستاد و حجاج او را به نزد ولید فرستاد، شاه آنرید دخت فیروز مادر یزید بن ولید اموی است. (ابن فقیه فارسی، ۲۴)

۵. «در هیچ شهری زنان خوش‌آوازتر از آنجا نیستند.» (۶۳۹)

۶. «در موصل دیرالکلب هست که گزیدگان سگ هاری را بدانجا برند و راهبان او را پنجاه‌روزه پرستاری کنند و بهبود بخشند به خواست خدا...» [البته نویسنده به زن بودن راهب تصریح ندارد ولی راهب می‌تواند زن نیز باشد].

کنیزی یا خدمتکاری: گویی درباره‌ی کنیزکان قاعده‌ی غالب آن روز جهان و از آن جمله مسلمانان را پذیرفته و درباره‌ی آنان بدون تعصب یا غرض خاصی مطلب می‌نویسد. در صفحه‌ی ۴۱۴ که به خرید و فروش برده میان مسلمانان اشاره کرده، لحن نویسنده حاکی از هماهنگی و مماشات با این موضوع است. در جای دیگر، خراج برده‌ها و مالیات کنیزکان را شرح داده (۴۹۸-۴۹۹)، از وفور بردگان در سمرقند (۴۰۱)، از چگونگی رفتار با اسیر در دارالبلاط، مثلاً مجبور نکردن اسیر به خوردن گوشت، سوراخ نکردن بینی‌شان، نشکافتن زبان‌شان در میان رومیان (۲۰۷)، و حتی از برده‌نشدن مردم خراسان به این دلیل که فوراً اسلام آورده‌اند (۴۲۶)، صادرات برده‌ی صقلی (۴۷۶)، دواندن اسیر با پای برهنه (۷۱۹)، نحوه‌ی کشتن اسرا (۷۱۸)، بردگان خاص مسجد قبه‌الصخره یا خاندان اخماس (۲۳۹)، قیمت اسرا در قصبه‌ی کفرسلاط (۲۴۸) و رواج خدمت‌گزار حبشی در عدن و مکه (۱۳۷) سخن می‌گوید. دو گزاره‌ی دیگر به نواحی شمال‌شرقی و شمال‌غربی ایران پهناور قرن چهارم مربوط می‌شود. منطقه‌ی هیتل (۳۸۲) را که خجند و حکومت سمرقند در آن واقع است، بسیار ثروتمند و باشکوه معرفی می‌کند و یکی از نشانه‌های شکوه را وجود بندگان و کنیزان در آن منطقه می‌داند. اساساً یکی از کارکردهای کنیزکان در جوامع آن روز نشان‌دادن شکوه و عظمت اربابان‌شان بود. گزارش بعدی درباره‌ی دریافت مالیات از کنیزکان و عدم وجوب جواز برای کنیزکان ترک (۴۹۹) است.^۱ در جایی به تمجید وضعیت ظاهری زنان منطقه‌ی جیحون می‌پردازد. در دارالبلاط (روم) از توده‌ی اسرای مسلمان سخن می‌گوید (۲۰۷)، و در منطقه‌ی قیساریه در قصبه‌ی کفرسلاط از رومیانی خبر می‌دهد که مسلمانان اسیرشده را برای فروش عرضه می‌کنند (۲۴۹). مقدسی در قصبه‌ی کفرسلاط (قیساریه) شاهد مراسم بازخرید اسرا بوده و به‌عنوان یکی از واقعیت‌های آن روزگار از خرید و فروش اسرای مسلمان سخن می‌گوید (احتمالاً برخی از این اسرا زنان بوده باشند). مانند بسیاری از مسائل و موضوعات دینی، فرهنگ غالب جامعه برای رد یا پذیرش یک

۱. «هفتاد تا صد درم مالیات نیز همراه جواز می‌ستانند. همین اندازه نیز از کنیزکان مالیات می‌گیرند، ولی درباره‌ی اینان اگر ترک باشند جواز لازم نیست. از زنان نیز بیست تا سی درم و از شتر دو درم و از کالای هر سوار یک درم می‌ستانند.»

موضوع حرف اول را می‌زند. اینجا هم برده‌داری چنان با سیستم اقتصادی آن روز عجیب شده بود که رهایی از آن امکان نداشت.

فضای کلی کتاب در مورد پدیده‌ی کنیزکان (اشاره به زیبایی آنان، عدم وجوب جواز برای کنیز ترک، نشان قدرت و شکوه اربابان بودن) جوّ اجتماعی خاصی را یادآور می‌شود که حتی منجر به ضعف خلافت اسلامی در آن عصر گردید. زیبایی این ندیمه‌ها از سویی و باز شدن پای زنان از نژادها و رنگ‌های مختلف به واسطه‌ی فتوحات، پابندی به خانواده در میان مردان مسلمان را کاهش داد. پرواضح است که پیامد این بحران‌های خانوادگی، آشوب‌های اجتماعی و بحران هویت بود. اغلب مورخان دخالت زنان درباری را یکی از عوامل فروپاشی سیاسی عباسیان می‌دانند (متز، ۱۳۶۴، ۲۵).

در ذیل به مواردی از حضور اجتماعی زنان در متن سفرنامه اشاره می‌شود که لزوماً شغل محسوب نمی‌شوند:

مقدسی درباره‌ی رسوم شیراز در چگونگی تدفین میّت می‌نویسد: «ایشان مردگان را از سر به گور کنند، مردان پیش و زنان دنبال جنازه روند، ولی در خوزستان از دو سویی روند» (۶۵۵). به نظر می‌رسد فعالیت‌های آشپزی در منزل را نمی‌توان جزو مشاغل محسوب کرد، ولی مقدسی از پخت نوعی شیرینی در مراسم عروسی شهر بیار خبر می‌دهد که به علت مهارت زیاد یک بانو، وقتی که قرار بود برای یکی از امرای محلی شیرینی ببزد، یک زن را همراه هیئت اعزامی می‌فرستند؛^۱ یا اینکه هنگام نام‌بردن از غذاهای مشترک مصر و فلسطین از دانه‌ای به نام قرمس یاد می‌کند که زنان آن را برای پای دیگ می‌خرند (۲۹۱). شغل معرفی شده‌ی دیگر برای زنان رختشویی در مصر عصر فراعنه (۳۰۲) است.

۱. «شنیدم [سپهسالار] یکی از پادشاهان یک مرد از ایشان را که آن را نیکو می‌ساخت به [نیشابور] بخواند و از آرد و روغن و دوشاب خودشان با یک زن برای پختن بیاورد، باز نتوانستند به خوبی کار بیار بسازند.»

جدول مشاغل و شهرها

منفی	مثبت	شهر	شغل
	✓	مدینه	نقل حدیث
	✓	مصر، نینوا، عراق، فسطاط	وقف و ساخت اماکن رفاهی و عبادی
	✓	مرو	سخنرانی در حضور خلیفه‌ی وقت مأمون
	✓	منطقه‌ی (اردبیل)	رنگ‌سازی
	✓	خوزستان، جیحون	پشم‌ریسی، نخ‌ریسی و گونی‌بافی
	✓	شیراز، اصفهان	پاسداری گرمابه
	✓	خجند، جیحون	کنیزی و خدمتکاری
	✓	ارجان	آوازه‌خوانی
	✓	هرمز	سفارت و پادشاهی
	✓	موصل عراق	راهبگی
	✓	ری	کاردانی
	✓	بیارجمند سمنان	آشپزی
✓		افراوه، بیار	فروشنده‌گی در خانه
✓		ملتان	در روز بیرون‌نیامدن (عدم اشتغال زنان)

۱-۲. مناسبات خانوادگی و انحرافات جنسی

در راستای ارائه‌ی تصویر زنان، در اینجا به شرح مشخصه‌ی نقش زنان در خانواده می‌پردازیم. تابو بودن روابط جنسی و آشکار سخن‌نگفتن درباره‌ی آن امروزه نیز از ویژگی‌های جوامع اسلامی محسوب می‌شود، چه رسد به هزار سال قبل. از آنجا که در سفرنامه‌ها، کانون توجه مورخ زندگی روزمره است، مقدسی این حصار را شکسته است و

ولو گذرا، ۱۶ تصویر از روابط جنسی خارج از خانواده ارائه می‌کند (همجنس‌گرایی، ازدواج موقت، زنا، بچه‌بازی (پدوفیلی)، ازدواج یک زن با دو مرد، روسپیگری و فحشای مقدس). گفتنی است سایر سفرنامه‌نویسان این قرن (ابن فضلان، ۱۳۴۵، صص ۱-۲-۷۰) و سلیمان سیرافی (۱۳۸۱، ۱۳۱-۱۲۰) درباره‌ی روابط جنسی آشکار در سرزمین‌های دیگر سخن گفته‌اند، حال آنکه اغلب گزارش‌های مقدسی ناظر به درون کشورهای اسلامی است. مقدسی در نوع به‌کارگیری واژگان کاملاً متأثر از نظام ارزشی و باورهای مسلمانی خود سخن می‌گوید. نویسنده با حکمی کلی انحراف جنسی را روایت می‌کند: «هر شهر که بر دریا یا رودخانه بوده، زن‌بارگی و بچه‌بازی در آن بسیار بود، چون سیراف، بخارا و عدن» (۴۹). نیز در توصیف ویژگی مذهبی هر مذهب‌واره می‌گوید: «کمتر دیده‌ام که قاریان از چهار خصلت دور باشند: آزمندی، همجنس‌گرایی، ریاکاری و شهرت‌طلبی» (۵۹).

نویسنده در صفحات پایانی سفرنامه (۷۱۰)، در توصیف سرزمین سند در نزدیکی مُلتان به پدیده‌ی عجیب «زنای مقدس» اشاره می‌کند. سفرنامه‌نویس دیگری ضمن یادکرد این پدیده، آن را به‌صراحت متأثر از باورها و آیین هندو دانسته و می‌نویسد: «در هند ادیانی وجود دارد که پیروانش به زعم خویش با آن ادیان به خداوند تقرب می‌جویند. پیروان این ادیان در کنار راه‌ها برای مسافران کاروانسراهایی ساخته‌اند، برای فروش کالاهای مورد نیاز آنها؛ و نیز زن بدکاره‌ای را با مزد کافی در آن نگه داشته‌اند تا رهگذران از او کام بگیرند. این زنان «فواحش بُد»^۱ نامیده می‌شوند (مقدسی، ۱۳۸۵، ۱۱۳). نویسنده در بخش‌هایی از کتاب خود به وجود فحشای آشکار در عراق،^۲ شهر عدن در جزیره‌العرب (۱۴۶)،^۳ خوزی‌ها (۶۰۴)،^۴ شوش (۶۰۹)،^۵ هرات (۶۴۹)، سیراف در قصبه‌ی اردشیرخره (۶۳۶) و شیراز (۶۵۶ و ۶۴۰)^۶ اشاره می‌کند. نکته‌ی عجیب آنکه نویسنده در بیان کلیات

1. Buddha

۲. در ذکر بصره: «و فحشای بسیار و هزینه‌ی سنگین.»

۳. «مردم مکه جفایپیشه‌اند، زنا در عدن آشکار است.»

۴. «و فاحشه‌خانه‌ی آشکار دارند.» (در شمال اهواز، سرزمین بختیاری‌ها و لرهای کنونی)

۵. «فاحشه‌خانه در کنار مسجد باز است.»

۶. «فاحشه‌خانه‌ها آزادند» (۶۴۰). «فاحشه‌خانه‌ها در شیراز با جواز رسمی آشکار و پذیرفته شده‌اند. مردم

همانند گرمابه بدانجا آمد و شد دارند» (۶۵۶).

مربوط به سرزمین کرمان و رونق بازرگانی و تجارت در ایام برداشت محصول خرما می‌نویسد، «همه‌ساله یکصد هزار شتر ناگهان به اینجا [نرماسیر] درمی‌آیند و فرمانروا به هر ساربان یک دینار می‌بخشد. در آن هنگام زنا و فساد در نرماسیر فزونی گیرد»، و از قول ساربانی نقل می‌کند، «اینجا زنی هست که همه‌ی مردان کاروان در این سفر با وی خفته‌اند» (۶۹۲). ولی تصریح می‌کند که همین کاروان‌ها بر آبادانی نرماسیر افزوده است و این تقیض‌گویی به نظر می‌رسد.

در توصیف نمودجکت که آن را قصبه‌ی بخارا می‌داند به آشکاربودن بچه‌بازی در آنجا تصریح می‌کند (۴۰۷). نیز در توصیف زرنگ، قصبه‌ی سگستان (در زمان یعقوب لیث صفاری) می‌نویسد: «زنازادگان در آنجا گروه‌ها دارند. بیشترشان خارجی و دشمنان دو داماد پیامبرند.» او همچنین فسق مردم آمل را آشکار می‌داند (۵۲۷).

مقدسی در بیان اختلاف‌ها و استثنای فقهای میان فرقه‌های مسلمان مواردی را متذکر شده است. از جمله استثنای مربوط به احکام فقهای زنان عبارت است از: «مردم از چهار فتوای شیعی دوری می‌کنند از جمله، متعه و سه طلاق یکجا گفتن.» پیروان اصحاب حدیث نیز در چهار مسئله از آنان عدول کرده‌اند: «متععه الحج و مسح بر عمامه و... ولی شیعه در متعه‌ی زنان با آنها هم‌نظر است» (۵۷ و ۵۸).

وی هنگام توصیف مصر از پدیده‌ی عجیبی سخن می‌گوید و آن اینکه زنان دو همسر می‌گیرند! (۲۸۴).^۱

مقدسی به هنگام توصیف اهل بیت‌المقدس، با واژه‌ی عزیز از آنها یاد می‌کند و چنین می‌نویسد: «وقتی می‌گوییم عزیزتر از اهل بیت‌المقدس نباشد، یعنی فریبکاری و کم‌فروشی و مشروب‌خواری آشکار و مستی در آنجا نیست. خانه‌های فسق آشکار و پنهان ندارد. هنگامی که شنیدند فرمانروا مشروب می‌خورد خانه‌اش را محاصره کردند.» گویی تلقی مقدسی از پلیدی مشروب‌خواری بسیار سنگین‌تر از سایر گناهان است، چرا که مردم مناطقی مانند بیت‌المقدس (۹) یا سرزمین مادری‌اش بیار را به واسطه‌ی دوری از این فعل

۱. «نه پیران ایشان از باده‌گساری می‌پرهیزند و نه زنانشان از تردامنی. یک زن دو شوهر گیرد، پیرانشان مست شوند و در مذهب دودستگی دارند، با شب‌نشینی و بددنی‌هایش.»

حرام و رفتارهای ناشی از آن است که عزیز می‌داند و از مردم مصر از همین‌روست که انتقاد می‌کند (۲۸۴).

مناسبات خانوادگی و انحرافات جنسی (منفی):	
همجنس‌گرایی (قاریان)	
زنا و زنازادگان	زنا و زنازادگان
فسق	فسق
فحش‌های آشکار	(شوش، فاحشه‌خانه‌ی کنار مسجد، شیراز با جواز رسمی، خوزی‌ها، استخر، سیراف)
زن‌بارگی و بچه‌بازی	بخارا و مناطق بندری
فحش‌های بسیار	عراق و عدن
دو شوهرگرفتن یک زن	مصر

۱-۳. پوشش و زینت زنان

سومین مشخصه‌ی انتخابی، چگونگی تصویر ارائه‌شده درباره‌ی پوشش زنان است. گزارش‌های مقدسی در این باب بسیار مختصر است. اما همین مختصر در دو بخش پوشش و زیور ارائه می‌شود.

پوشش:

بالاترین توصیف از زیور و لباس به زنان عراق، شهرهای اطراف آن و نیشابور اختصاص دارد. اشاره‌ی مقدسی به ساختن گنبدی بلند و نیکو بر قبر بانوان می‌تواند مؤید تنعم و رفاه عراق قرن چهارم و نیز موقعیت مثبت زن در آن جامعه باشد (۱۷۹).

بعد از آن، شهر نیشابور برترین توصیف را داراست (۴۷۴-۵). اینجا نیز طی سه صفحه، بی‌وقفه از فراوانی، نعمت و صادرات محصولات نیشابور و اطراف آن سخن می‌گوید. مقدسی محور بازرگانی نیشابور را صادرات انواع کالای پوشاک معرفی می‌کند. از نیشابور

پارچه‌های سپید حفیه، بیباف، عمامه‌های شهجانی حفیه، راختج، تاختج، مقنعه، پارچه‌های مویین و نخ ریسیده‌ی خوب صادر می‌شود. نویسنده در صفحات متعددی از سفرنامه، لباس گروه‌های مختلف جامعه را شرح می‌دهد. البته طبقات خطیبان، اندرزگویان، فقیهان، بزرگان (طیلسان) و مردم عادی قبای باز می‌پوشند. از ربنجن (در نزدیکی نیشابور و ایبورد) و همچنین از ترمذ، جامه‌های زمستانی و لباده‌های سرخ ابریشمی و مقنعه‌ی ابریشمی و چامه‌ی آرنج (بازوبند) صادر می‌کنند. اهل نیشابور نیز مانند اهالی جرجانیه صادراتی چون مقنعه‌ی ابریشمی و قایه (چادر زنان) دارند. او همچنین از صادرات پوشاک از نیشابور و باخزر (نزدیکی خراسان کنونی) سخن می‌گوید. (۴۶۷)

و پس از ذکر محصولات این دو سرزمین، موارد دیگری را یادآور می‌شود؛ از جمله روسری‌های ابریشمی گرگان که به یمن صادر می‌شود (۵۴۳)، خز، دیبا، بردهای نیکوی شیراز (۶۵۸)، یا تکه‌های مختلف لباس مردم خوزستان و فوطه‌های ابریشمی خوبی که در اهواز می‌بافند و زنان می‌پوشند (۶۲۲). ذکر این حجم از صادرات پارچه و البسه نشانگر وفور و تنعم بی‌مانند مناطق مورد مشاهده‌ی سفرنامه‌نویس است، چرا که بیش نیاز صدور کالا در آن زمانه نیز خودکفایی و استقلال حداکثری ساکنان منطقه بوده است. فراموش نشود این سطح از مدنیت و تجمل برای زنان این اقلیم‌ها در حالی است که در مناطق غیرمسلمان (مانند خزر، سرزمین اسلاوها یا ملتان) زنان از حداقل حقوق فردی نیز برخوردار نیستند (ابن فضلان، ۱۳۴۵، ۱۰۲-۷۰؛ سیرافی، ۱۳۸۱، ۱۳۱-۱۲۰).

در توصیف منطقه‌ی خاوران، ضمن بیان خوبی و بدی زبان آنها، دفعتاً وارد مقوله‌ی زیبایی چهره می‌شود و می‌نویسد: «مردم در رنگ گوناگون‌اند. از همه زیباتر مردم شاش و فرغانه و پیرامن آنها هستند. سپس مردم نسف، طراز و پارابند. زنان ایشان بی‌ماندند، سپس سمرقندیان، بخاریان و مروزیان، و دیگر هیچ» (۴۹۱).

علت ذکر این گزارش در بخش پوشش، آن است که توصیف زیبایی زنان آن منطقه بی‌شک به نوع پوشش زنان آن سرزمین ارتباط داشته، گرچه در گزارش مقدسی هیچ وجه تمایز از علت زیبادانستن آنان (اعم از زیورآلات یا چگونگی پوشاک یا زیبایی چهره) داده نشده است. وانگهی بعید نیست توصیف مقدسی از زیبایی زنان نسف، فرغانه و پارابند

به دلیل پوشش بازتر زنان در آنجا و یا حضور آشکارتر در معابر و راه‌ها باشد، موردی که مقدسی در مناطق دیگر به آن برنخورده است.

زیورآلات:

طبیعتاً مقدسی هنگام گذر از شهرهای کشورهای اسلامی، به دلیل وجود دستور حجاب یا پایبندی بانوان به حجاب، امکان دیدن زیورآلات زنان را پیدا نمی‌کرده است. آنچه نمود بیرونی دارد بیشتر مربوط به دکوراسیون بازارها، فرش، پرده‌ها، پارچه‌ها، جنس و تنوع آنها، کفش‌ها، محصولات عرضه‌شده در بازارها، استفاده از رنگ (حنا) و بوی خوش (گلاب) است. مقدسی هم‌همی آنها را ذکر می‌کند (۱۷۹).^۱ وی استفاده‌ی زنان بیار و افراوه از پوشش سیاه را نیز متذکر می‌شود (۵۴۷).^۲ وجود بادبزن در دست مادران آراسته و جوان در مکه در روز عید فطر نیز تاییدکننده‌ی این ادعاست که تنها زینت‌های بیرونی به گزارش نویسنده راه یافته‌اند (۱۴۲).^۳ وقتی مقدسی از ارجمندی زیورآلات و سفال اصفهان سخن می‌گوید،^۴ بی‌شک به اشیاء و لوازم زینتی موجود در بازار و مغازه‌ها اشاره داشته است (۵۸۲). بافتن پارچه و روپوش‌های رنگین از فعالیت‌های مردم تنیس محسوب می‌شود (۲۸۷).^۵ اشاره به لؤلؤ و گوهر و گلاب و حصیرهای زیبای عراق (۱۷۸) و حنای صادراتی بصره نیز مؤید نظر پژوهشگر است. بی‌شک عرضه‌ی این محصولات تفننی یا

۱. «مردم (عراق) به آرایش و پوشیدن طیلسان عادت دارند و بیشتر کفش می‌پوشند. بزرگ‌کردن دستار و بستن شروب کمترین چیزی است که طیلسانیان بدان کوتاه آیند. هنگامی که نخستین کشتی بار خرمای تازه به واسط درآید، از لب رودخانه تا دکان فروشنده را با فرش‌ها و پرده‌ها آرایش کنند. بر روی جنازه‌ی بانوان گنبدی بلند و چشمگیر می‌نهند.»

۲. در توصیف بیار: «زنان در روز دیده نمی‌شوند. ایشان در اینجا و در افراوه، شب‌هنگام با پوشش سیاه بیرون می‌آیند.»

۳. «در مکه در شب فطر، قبه‌ها منصوب می‌دارند و بازار را در میان صفا و مروه آذین‌بندند و تا بامدادان دنبک زنند. صبحگاه، پس از نماز، مادران جوان آراسته بادبزن به دست می‌آیند و به دور خانه می‌گردند.»

۴. مقدسی از زینت آلات و سفال و هوای اصفهان تمجید می‌کند (۴۷).

۵. نویسنده تنیس را جزیره‌ای در مصر معرفی می‌کند که اغلب مردم آن قبطی (مسیحی) هستند.

تجملی براساس تقاضای مصرف‌کننده انجام می‌شد، گرچه از وجود فقر و تبعیض طبقاتی نیز در این جوامع بی‌خبر نیستیم.

جدول پوشش و زیور زنان

شهر	پوشش و زیورآلات
بصره و عراق	لؤلؤ، گوهر و حنا، گلاب و حصیرهای زیبا
اصفهان	سفال و زیورآلات
تیس مصر	پارچه و روپوش‌های رنگین
نیشابور	پارچه و پوشاک
اهواز	فوطه
گرگان	روسری ابریشمی
شیراز	خز و دیبا
ترمز	مقنعه

۱-۴. ازدواج و رسوم آن در منازل سفر

به دنبال ارائه‌ی تصویری روشن‌تر از زنان در سفرنامه، به‌عنوان چهارمین مشخصه‌ی انتخابی، به معرفی آیین‌ها و رسوم مربوط به ازدواج می‌پردازیم. مقدسی هر جا که تفاوت یا تضاد آشکاری با فرهنگی که از آنجا برخاسته مشاهده می‌کند، بدون مکث آن را بیان می‌کند. به عنوان نمونه، منع ازدواج زنان با غیردیلیمان: «دیلیمان نیز رسم‌های شگفت دارند. ایشان به بیگانه زن ندهند. روزی من از یک خان می‌گذشتم، دختری را دیدم که می‌گریزد و مردی با شمشیر آخته دنبالش کرده تا او را بکشد. پرسیدم که او چه کرده است که سزاوار مرگ شده است؟ گفت او با بیگانه همسر شده است و نزد ما کشتن چنین کس

واجب باشد» (۵۴۵). این گزارش از سویی بیانگر ساختار فرهنگی و تاریخی دیلمان بوده که اطاعت محض دختر از سرپرست خود برای ازدواج و غلبه‌ی سنت‌های مردگرایانه را امری عادی جلوه می‌دهد، ولی از سوی دیگر بیانگر غیرمعمول بودن چنین موردی (ازدواج با غیربومی) در است. درحالی‌که ابن بطوطه دو قرن بعد از رواج این قانون در کشور خود (مراکش) سخن گفته، تا آنجا که اگر زنانی مانند وادی‌الخصیب (نزدیکی صنعا) این پایبندی را نداشته باشند از آن به عنوان امری عجیب یاد می‌کند! (موحد، ۱۳۴۸، ۲).

از دیگر موارد غریبی که از چشم مقدسی دور نمانده است منع ازدواج مجدد بیوه‌زنان است: «زنی که شوهرش بمیرد شوهر نمی‌کند و اگر کرد، کودکان سنگ به در خانه‌اش پرتاب می‌کنند» (۵۴۶). این گزاره تصویر زن به‌عنوان جنس دوم و طفیلی مرد را به نمایش می‌گذارد. گرچه بازتاب بسیار خشن این فرهنگ را می‌توان در رسوم هندیان (سوزاندن زن زنده به همراه جنازه‌ی شوهر) یافت، به هر حال، وجود این سنت در دیلمان، رقیق‌شده‌ی همان سنت سوزاندن زنان شوهرمرده است. در جریان گزارش‌های سایر سفرنامه‌نویسان از مراسمی به نام «ساتی» سخن به میان می‌آید که طی آن، زن هندی خود را به همراه جنازه‌ی شوهرش به آتش می‌کشد. گاهی نوعروسان خود داوطلبانه به این خودکشی اقدام می‌کردند (ابن بطوطه، ۱۱۱۰). این واقعیت تلخی است که ابن فضلان نیز در جریان سفر خود از زنان روس در قرن چهارم هجری قمری مشاهده کرده (ابن فضلان، ۱۳۴۵، ۱۰۷). بی‌تردید فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها در ساکنان مناطق جغرافیایی همجوار بسیار مشابه‌اند. به نظر نگارنده، منع ازدواج بیوه‌زنان در ایران اسلامی قرن چهارم، به‌رغم جواز صریح قرآنی^۱ نشان‌دهنده‌ی تاثیر و تأثرهای فرهنگی بخش‌هایی از آسیای آن روز بر جوامع اسلامی است. به این معنی که خودسوزی، سوزاندن زن یا زنجیرکردن وی در تابوت به همراه جنازه‌ی همسر و رهاکردن‌اش در رودخانه، تعدیل و رقیق شده و در ایران

۱. «وَالَّذِينَ يَتُوفُونَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرْتَضْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ (مردانی که بمیرند و زنانشان زنده مانند، آن زنان باید از شوهرکردن خودداری کنند تا مدت چهار ماه و ده روز بگذرد. پس از انقضای آن مدت بر شما گناهی نیست که با دیگری ازدواج کنید)» (۲۳۴ / البقره).

مسلمان‌شده‌ی قرن چهارم به صورت محروم‌ماندن از ازدواج مجدد خود را نشان می‌دهد. مقدسی بعد از بازنمایی منفی دو مورد از رسوم ازدواج در دیلمان، به بازنمایی مثبت رسوم ازدواج در شهر بیار می‌پردازد. با توجه به زیبایی متن این قسمت عیناً نقل می‌شود: «هرگاه پسری خواهان دختر می‌شود، با وی می‌رود. پس خانواده‌ی دختر از پسر پذیرایی می‌کنند و گرمی‌اش می‌دارند و اگر او کرم ایشان را پذیرفت، سه روز میهمانش کنند. سپس ندا درمی‌دهند. و این پس از آن است که او یک هفته با دختر در خانه‌اش تنها می‌ماند و برنامه‌ریزی می‌کنند. من از ابونابته‌ی انصاری پرسیدم: آیا ایشان پیش از عقد نیز به هم می‌رسند؟ پاسخ داد: اگر چنین آشکار شود، داماد را می‌کشند. من عروس مردم بیار را زیاد دیده‌ام. مردم در آغاز تاریکی شب گرد می‌آیند و هر یک شیشه‌ای گلاب همراه می‌آورد. پس دم در خانه‌ی داماد و عروس آتش می‌افروزند. پس برخی بزرگ‌تران به زبان رسا سخن می‌رانند و از دو همسر (عروس و داماد) یاد کند و دختر را می‌خواهد. سپس یک تن از خانواده‌ی عروس پاسخی سنجیده می‌گوید. سپس عقد همسری می‌خوانند» (۵۴۶).

در جای دیگر، مقدسی از سنتی خاص سخن می‌گوید و آن ازدواج گروهی دختران یک منطقه با پسران سرزمینی دیگر است. در این نوع ازدواج‌ها که تقریباً با فرمان حاکم یا پادشاه صورت می‌گیرد، انتخاب دختر معنا و مفهومی ندارد. به هر حال، چنان که مقدسی نیز به صراحت می‌گوید، پیامدهای این ازدواج‌ها گونه‌ای اصلاح نژادی یا شکل‌گیری نسلی جدید است (۴۱۳).^۱

مقدسی در جای دیگر از نوعی دستور حکومتی برای محافظت از سکنه یاد می‌کند که طی آن زنان با انجام دستورالعمل‌هایی، در سر نوزادان تغییر شکل ایجاد کرده و بدین‌گونه از به اسارت‌رفتن پسران جلوگیری به عمل می‌آوردند (۴۱۴).^۲

۱. در وصف خوارزم و جیحون و کرانه‌هایش: «پس دستور داد چهارصد دخترک ترک برایشان بردند، و از این روی تاکنون در قیافه‌ی ایشان رگ ترکی دیده می‌شود.»

۲. «پس به زنان [بلخان و ایبورد] دستور دادند تا پس از زایمان دو کیسه‌ی شن در دو سوی سر کودک نهند تا سر او پهن شود. پس از این، ایشان را به بردگی نمی‌آوردند و کسی را که آورده می‌شد به خوره بازمی‌گردانیدند.»

بازه‌ی زمانی سفر مقدسی به سالیانی برمی‌گردد که در حوزه‌ی شرق خلافت اسلامی دیگر از فتوحات و اسرا خبری نبود. مقدسی مانند سایر سفرنامه‌نویسانی که از رواج تجارت کنیزان نوشته‌اند، درباره‌ی اقوامی که دیرتر مسلمان شده‌اند، مانند ترک‌ها، روس‌ها، اسلاوها، بلغارها (ابن فضلان، ۱۳۴۵، ۸۲)، اسیران و کنیزکان مناطقی مانند قیساریه، صقلیه (اسلاوها)، قیروان و بخش‌هایی از آفریقا (حبشه) گزارش داده است. در ادامه‌ی بیان مشاهدات مربوط به ازدواج زنان در سفرنامه، به عقیم‌کردن غلامان و ازدواج آنان پرداخته می‌شود. سفرنامه در شرح سرزمین مغرب (آندلس، مصر، قیروان، صقلیه و ...)، سرزمین سیاهان (در مرز جنوبی مغرب و مصر)، بردگان آنجا را به سه دسته‌ی بزرگ تقسیم می‌کند: «بخشی به مصر و عدن آورده می‌شوند و گروهی هم شبیه حبشیان‌اند» (۳۴۸). خدمت‌گذاران سفید را نیز به دو دسته تقسیم کرده و می‌گوید: «صقلیبان ... سرزمینشان پشت خوارزم است، ولی ایشان را برای اخته‌کردن به آندلس برده و اخته می‌کنند و از آنجا به مصر و روم و شام و آقور (کردستان) می‌برند. رومیان هم فرزندان را برای نگهبانی کلیسا اخته می‌کردند، تا به زنان نگروند و گشنی (شهوت) ایشان را نیازارد. هرگاه مسلمانان بر ایشان دست می‌یافتند این کودکان را از کلیسا بیرون می‌آوردند برای اخته‌کردن. صقلیبان را نیز به شهر دیگری در پشت بجانیه که مردمش یهودند، برده و اخته می‌کنند». مقدسی به اختلاف‌نظر فقها بر امکان پدرشدن این مردان پرداخته و با نقل رأی مثبت بوحنیفه می‌گوید فرزندان همسران ایشان از آنان است.

ذکر مطلب فوق از آن رو بود که موضوع اخته‌کردن ارتباط مستقیمی با ازدواج کنیزکان داشته است و در اغلب موارد، غلامان یا بردگان با کنیزکان ازدواج می‌کردند. اظهارنظرهای دقیق فقهی مقدسی درباره‌ی پدرشدن یا نشدن این برده‌ها جای تأمل بسیار دارد. گرچه مقدسی در متن، آشکارا به موضوع بحران هویت اشاره نمی‌کند ولی به نظر نگارنده، ازدواج نکردن کودکانی که به کلیسا سپرده می‌شدند و نیز اخته‌کردن بردگان بی‌شک رواج‌دهنده‌ی برخی انحرافات جنسی در میان این طبقه‌ی اجتماعی در زمان خود است.

مقدسی گاهی در جایگاه یک فقیه حتی اختلافات فقهی مذاهب اسلامی در خصوص مسائل زنان را مطرح کرده است. او از جمله می‌گوید: «پیروان داوود نیز در چند مسئله از

وی روگردانیده‌اند: ازدواج با بیش از چهار زن و واگذاری نیم ارث به دو دختر» (۵۷). او در بیان علت تکیه بر عدد چهار بجای هفت در بحث‌ها این‌گونه استدلال می‌کند: «نبینی که فصل‌های سال چهارند و کعبه چهار گوشه دارد و مسلمان بیش از چهار همسر نتواند داشت و گواهی بر زنا به چهار تن بُود؟» (۶۰) این شیوه‌ی تمثیل و بیان حاکی از مسلم‌دانستن و پذیرش حکم تعدد زوجات تا چهار همسر است. او بازنمایی منفی دیگری را که در حکم توصیه‌ای اخلاقی است، از قول ابن مسعود می‌گوید: «با خوزیان همسری نکنید که رگ بی‌وفایی دارند» (۶۰۲).

جدول آداب و رسوم ازدواج

درباره‌ی کنیزکان	خنتی
تغییر شکل سر نوزادان جهت به اسارت‌نرفتن	خنتی
منع ازدواج مجدد بیوه‌زنان	منفی
منع ازدواج زنان با غیردیلیمان	منفی
آداب زیبای عروسی مردم بیار	مثبت

۱-۵. باورهای خرافی درباره‌ی زنان

این سفرنامه اطلاعات دست‌اول معتبری درباره‌ی ادیان، مذاهب، فرق، خرافات و باورهای جوامع مورد مشاهده ارائه می‌دهد. در ادامه چهار مورد از باورهای مربوط به زنان آورده می‌شود:

– باور مردم مصر به خرافه‌ی قربانی‌کردن دختری جوان و آراسته برای بالا آمدن آب نیل.^۱

۱. «هنگام فتح مصر، چون ماه بونه درآمد مردم نزد عمروعاص آمده گفتند: ای امیر، نیل ما را سنتی است که جز بدان بالا نیاید: شب دوازدهم این ماه دوشیزه‌ای را با رضایت پدر و مادرش آراسته با بهترین پوشاک در آب می‌اندازیم. عمر گفت: چنین نمی‌توان کرد. اسلام سنت‌های پیشین را بریده است. پس یک ماه و ماه دیگر صبر کردند و آب نیل هیچ بالا نیامد، تا آنجا که مردم آماده‌ی کوچ‌کردن شدند. پس چون عمروعاص

فارغ از همه‌ی دغدغه‌های موجود، پرسش این است: چرا قربانیان (چه برای معابد، چه برای جلوگیری از قهر طبیعت) زنان و به‌ویژه دختران جوان هستند؟ آیا خدایان به این قربانی‌ها نیاز داشتند؟ نکته‌ی قابل‌ذکر آنکه مقدسی در مقام معلم دین، ضمن بیان این رویداد به ارائه‌ی روشنگری دینی و اعلام موضع خلیفه‌ی دوم مسلمانان درباره‌ی این خرافه می‌پردازد.

- باور اهدای دختری جوان به راهبان ساکن در معبد در سرزمین سند.^۱
نویسنده در صفحات پایانی *احسن‌التقاسیم*، ضمن گزارش عجیبی از ساکنان سرزمین سند در نزدیکی ملتان (منطقه‌ای در منتها الیه جنوب‌شرقی ایران آن روزگار) پدیده‌ی زنای مقدس را شرح می‌دهد (۷۱۰).

- باور پیرزنان ساکن بیت‌المقدس درباره‌ی تبرک‌جستن از تکه‌ای چوب.^۲
او در توصیف مقبره‌ی یوسف پیامبر می‌نویسد: «سلطان به پدرم دستور تحقیق درباره‌ی مقبره‌ی یوسف صدیق داد. من نیز با وی رفتم. کارگران حین کندن زمین چوب «عجل» را یافتند و من مدت‌ها تکه‌هایی از آن را به دست پیرزنان می‌دیدم که برای شفای رمَد می‌بردند» (۶۶). لحن کلام نویسنده در اینجا تاییدگونه و مثبت است.

- زن مسخ‌شده‌ای مانند سنگ در نزدیکی قصر شمع در فسطاط مصر (۳۰۲).
گویبی زنی کازر (رختشوی) از قوم فراعنه بوده است^۳ که نویسنده آزار حضرت موسی را علت مسخ‌شدن وی می‌داند. گرچه مقدسی این حکایت را برای بیان شگفتی‌های

چنان دید، نامه‌ای به عُمر خطاب نگاشت. او پاسخ داد کاری درست کردی. اسلام سنت‌های پیشین را پاره کرده است و من یک کارت با این نامه می‌فرستم، آن‌را در نیل بیانداز» (۲۹۶).

۱. «مردم معتقدند این دو بت سنگی «بهیروا» طلسم دارند. کارمندان آنجا از درآمد زناخانه و موقوفات بسیار آن زندگی می‌کنند. کسی که دختر خویش را بیشتر گرامی می‌دارد، او را برای آن خانه وقف می‌کند.»
۲. «قَالَ بَصْرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا» (۹۶/طه). شاید مقصود چوبی باشد که سامری، مرد افسانه‌ای یهودی، گوساله‌ی خود را با آن ساخته بود و سبب تبرک و شفاجویی پیرزنان نیز ارتباط با پای جبرئیل باشد که سامری در آن ریخته بود.

۳. «در نزدیکی قصر شمع در فسطاط یک زن سنگ‌شده هست که سیدی سنگی بر سر اوست. گویند وی کازر زنی بود فرعونیان را که موسی را بیازرد. پس مسخ شد.»

سرزمین مصر روایت می‌کند، به هر روی این گزارش نشانگر رواج شغل رختشویی برای زنان فرودست شهر و جامعه‌ی طبقاتی عصر فراعنه بوده است. با ذکر این باورها در کتاب، حتی می‌توان نوع عقاید خرافی رایج در شبه‌جزیره را با سرزمین‌های مغرب و مصر و بیت‌المقدس مقایسه کرد (رحیمی فر، ۱۳۸۱، ۱۲-۳).

جدول خرافات

مصر - منفی	باور قربانی‌کردن دختری جوان برای بالا آمدن رود نیل
بیت‌المقدس - مثبت	باور تبرک‌جستن پیرزنان مصر از تکه‌ای چوب
سرزمین سند - منفی	باور اهدای دختری جوان به راهبان ساکن در معابد
فسطاط و مصر - خنثی	باور مجسمه‌ی سنگی زنی مسخ شده

۲. تصاویر و ویژگی‌های چشمگیرتر زنان در سفرنامه و چرایی آن

از میان پنج مشخصه‌ی یادشده در *احسن‌التقاسیم*، تصویرسازی‌های زیر برجسته‌ترند:
 - تصویری که سفرنامه‌نویس از مشاغل زنان در گستره‌ی جغرافیایی اسلامی می‌نماید و لحن مثبت وی حاکی از پذیرش حضور اجتماعی زنان و نیز تنوع شغلی به دلیل توسعه‌ی اقتصادی کشورهای اسلامی در آن روزگار است. از گزارش‌های راوی دانسته می‌شود که زنان مشاهده‌شده در قرن چهارم هجری به‌ویژه در پایتخت‌های تمدنی اسلام مانند عراق، قاهره و شهرهای بزرگ ایران آن روز، از حقوق انسانی و استقلال مالی برخوردار بوده‌اند و دارایی خود را با صلاحدید خود صرف امور خیریه و تأسیس خانقاه و اطعام مسافرین و نیازمندان می‌کردند. الفاظ به‌کارگرفته‌شده توسط مقدسی برای بازنمایی حرفه و شغل زنان همه مثبت و تاییدکننده است، بنابراین تنها فروشنده‌ی زنان در خانه، در روز دیده‌نشدن (زنان بیار و افراوه در معابر) (۵۴۷)، سخن‌نگفتن آشکار با زنان در منطقه‌ی مُلتان (۷۰۷) را با عبارت منفی و شگفتی یاد می‌کند و بقیه‌ی گزارش‌ها بازنمایی مثبتی در کتاب وی دارند. این نوع گزارش‌کردن می‌تواند حاکی از تعجب نویسنده نسبت به این رویه‌ی فرهنگی

باشد. شاید در زادگاه وی (بیت المقدس) زنان مسیحی، یهودی و مسلمان از قومیت‌های مختلف حضور پررنگ‌تری داشته‌اند.

- در مشخصه‌ی دوم، تصویر انواع روابط جنسی و انحرافات را برجسته ساخته و شهرهای متعددی را به رواج فحش‌های آشکار موصوف می‌کند، گرچه در بسیاری از موارد به گزارش‌های شنیداری بسنده می‌کند (۶۹۲). جالب آنجاست که در هیچ کجای متن از دیدن فحشا با چشم خود سخن نمی‌گوید. این در حالی است که برخی سفرنامه‌نویسان، از مشاهدات عینی خود (حتی درباره‌ی روابط آشکار جنسی) سخن می‌گویند (ابن فضلان، ۱۳۴۵، ۱۰۲). شاید تصریح به وجود فحش‌های بسیار در برخی مناطق برخوردار و وجود فاحشه‌خانه و مسجد در کنار هم (۶۰۹) نشان از تنوع و چندگونگی افکار و شخصیت‌ها و سبک‌های زندگی باشد. به هر حال رفاه و تنوع‌طلبی در اغلب موارد قرین یکدیگرند.

برخی نقیض‌گویی سفرنامه‌نویسان را از ویژگی‌های منفی سفرنامه‌ها می‌دانند. مقدسی نیز در توصیف سرزمین سند و شهر ملتان می‌نویسد: «زنا و میگساری ندارند و هرگاه کسی را ببابند که انجام می‌دهد او را خواهند کشت یا حد می‌زنند» (۷۰۶). رواج پدیده‌ی زنا‌ی مقدس در ملتان (۷۱۰) و بلافاصله ذکر این نکته که آنها زنا ندارند، نمونه‌ای از نقیض‌گویی سفرنامه‌نویسان و شاید تاکید بر دینی‌دانستن فحش‌های مقدس است.

- تصویرسازی برجسته‌ی دیگر، توصیفات بسیار تحسین‌برانگیز مقدسی از بغداد و نیشابور است (که در مشخصه‌ی سوم پوشش و زینت ذکر شد). عظمت و شکوه تمدنی آن سرزمین سفرنامه‌نویس را به اعجاب آورده است. عراق در اوج دوره‌ی طلایی تمدنی در قرن چهارم هجری به سر می‌برد و طبیعی است که به‌عنوان پایتخت علمی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، بالاترین مظاهر زیبایی را از آن خود کند. متن سفرنامه از ذوق و هیجان نویسنده از دیدن آن‌همه محصول غذایی، پوشاک و زیور از شهرهای مختلف عراق حکایت می‌کند.^۱

۱. «بازرگانی در آنجا [عراق] بد نیست. مگر نشیدی می‌گویند خز بصره، پارچه‌ها و طرفه‌هایش؟ آنجا مرکز لؤلؤ و گوهر نیز هست. کارگاه‌های راسخت و (شنگرف) و زنگار و مردارسنگ در آنجاست. مواد ذکر شده چهار گونه داروی شیمیایی‌اند که از ترکیب فلزات بدست می‌آوردند (۱۷۸). در ابّله از کتان

- تضاد چشمگیر دیگر در تصویرسازی نویسنده از حضور اجتماعی زنان در شهرها و مناطق اسلامی است. چرا که مقدسی از وجود حریم میان زنان و مردان در توصیف ملتان سخن گفته، در حدی که «کسی آشکارا با زنان گفتگو نمی‌کند» (۵۴۷) و «در بازار زن آراسته یافت نمی‌شود» (۷۰۷). در حالی که در بازنمایی چهره‌ی زنان برخی از شهرهای دیگر به توصیف کاردانی زنان ری (۵۸۲)، پاسداری از گرمابه به دست زنان اصفهان (۵۹۸) و فعالیت آنان در هفته‌بازارهای دیلمان پرداخته است (۵۴۶). این موارد اشاره‌ای آشکار به تفاوت‌های فرهنگی میان اقوام و مناطق مختلف ایران آن روزگار است و نشان می‌دهد که هر چه از مرکزیت تمدن اسلامی دورتر می‌شویم، جایگاه و حقوق و موقعیت زنان بیشتر نادیده گرفته می‌شود.

- تصویر به یادماندنی دیگر در مشخصه‌ی رسوم ازدواج، به خرده‌فرهنگ‌های رسوب‌کرده در متن تفکر مردم برخی شهرها می‌پردازد: عدم پذیرش ازدواج مجدد زن بیوه، لزوم ازدواج با همشهری (دبلمی)، و ازدواج گروهی دختران یک منطقه با پسران سرزمینی دیگر. مؤلف از این هر سه انتقاد می‌کند چرا که اختیار و انتخاب زن زیر سؤال رفته است. البته (با نوعی حس وطن‌دوستی) تصاویر زیبایی نیز از رسوم ازدواج در شهر مادری خود (بیبار) برای خواننده به ارمغان می‌آورد.

در نقد کتاب مقدسی می‌توان گفت که وی از ذکر تاریخ دقیق مشاهدات خود از اقلیم‌ها و سرزمین‌ها غافل مانده است. در پاسخ به این سؤال که آیا بازتاب چهره‌ی زن پیش از اسلام در *احسن‌التقاسیم* قابل مشاهده است، می‌توان گفت اغلب مشاهدات مقدسی، مانند سایر سفرنامه‌نویسان زمانه‌اش، و سفرنامه‌نویسان دوره‌ی اسلامی (تا ۳۷۵ هجری) است. ولی با تأمل بیشتر می‌توان چهره‌ی زن پیش از اسلام را در دو تصویر مشاهده کرد:

(۱) تصویر زن باارزش و تقدیس شده (که بیشتر به زادگاه مقدسی مربوط می‌شود). این زنان مقدس و محترم از فرهنگ‌ها و ادیان متفاوتی برخاسته‌اند، مانند حضرت مریم، ساره، همسر اسحاق و همسر یعقوب (۲۳۸، ۲۴۱، ۲۴۰).

پارچه‌ای چون قصب می‌سازند. در کوفه دستار خز و بنفشی بسیار خوب می‌سازند. در مدینه‌السلام فرآورده‌های زیبا و انواع پوشاک ابریشمی و جز آن هست، در نعمانیه پوشاک...»

۲) تصویر زن دون و بی‌ارزش. رواج عقاید خرافی درباره‌ی این زنان مانند سنگ‌شدن زن در فسطاط، قربانی‌کردن دختری جوان برای بالا آمدن نیل، هدیه‌ی دختران به معابد در سرزمین سند، فرمان پادشاه به ازدواج گروهی دختران با ۴۰۰ مرد تبعیدی در منطقه‌ی خوارزم و ... (۶۶، ۲۹۶، ۳۰۲، ۷۱۰).

در مقایسه‌ی دو تصویر ارائه‌شده از زن دوره‌ی پیشاسلامی و زن دوره‌ی اسلامی در کتاب می‌توان گفت مقدسی زنان دوره‌ی پیشاسلامی را سیاه و سفید دیده است؛ بدین‌گونه که زن یا مقدس و محترم است، یا منفور، و چون قربانی و کالا حقیر است. ولی زن دوره‌ی اسلامی در اغلب سرزمین‌ها به‌رغم وجود برخی محدودیت‌ها به جایگاه واقعی و انسانی خود نزدیک‌تر شده است. فعالیت اقتصادی، اجتماعی، علمی، سیاسی و هنری دارد. وقف می‌کند، نماینده یا حتی پادشاه است، خوانندگی، پرستاری، ریسندگی، رنگ‌سازی و فروشنده‌ی می‌کند.

نتیجه‌گیری

تنوع قومی، مذهبی، فرهنگی موجود در زادگاه مقدسی (بیت‌المقدس) و جهانگردی‌های گسترده‌ی وی باعث شد نگاه مقدسی به مسائل زنان و جوامعی که به آنها سفر کرده است عاری از تعصب باشد. دیدگاه او به مسائل زنان برآیند سنت‌های جامعه‌ای که در آن زاده و بالیده است و نیز تفکر او به‌عنوان یک مسلمان است. اگر در گزارش‌های وی از برخی شهرهای ایران نشانی نیست شاید به این دلیل بوده که مردم آن مناطق به لحاظ فرهنگی، با الگوی پذیرفته‌شده‌ی ذهنی وی (یا سنت اسلامی جاری) شباهت زیادی داشته‌اند. در مجموع از ۷۰ تصویری که مقدسی از زنان ارائه کرده است:

۲۰ مورد مربوط به مشخصه‌ی اول، یعنی مشاغل (از جمله پاسداری از گرمابه، آوازه‌خوانی، پادشاهی، رنگ‌سازی، پشم‌ریسی و نخ‌ریسی، نگاهبانی اردوگاه، کنیزی، راهبگی، ساخت مساجد و زائرسراها و فروشنده‌ی در هفته‌بازارها) بوده که ۳ مورد آن منفی، ۳ مورد خنثی و ۱۴ مورد مثبت هستند. از این میان، ۹ مورد مثبت به ایران اختصاص دارد. گزارش مشاغل در کتاب، بالاترین بازتاب مثبت را دارد. او تنها از

فروشدگی زنان در خانه، در روز دیده‌نشدن زنان در معابر (در بیار و افراوه) و نیز سخن‌نگفتن آشکار با زنان در منطقه‌ی مُلتان^۱ با شگفتی یاد می‌کند.

۱۶ مورد مربوط به مشخصه‌ی دوم، یعنی انواع روابط جنسی (از جمله زنای مقدس، پدوفیلی، روسپیگری، اخته‌کردن غلامان و ازدواج با کنیزکان، همجنس‌گرایی و زنا) بوده که طی آن نویسنده روابط جنسی خارج از خانواده را با رویکردی منفی و با تمسخر و نفرت نمایانده و به دیده‌ی تحقیر نگریسته است. از میان این ۱۶ مورد، ۱۰ مورد به ایران اختصاص دارد.

۱۹ مورد مربوط به مشخصه‌ی سوم، یعنی پوشاک و زیورآلات بوده است که همگی به‌طور مثبت بازنمایی شده‌اند. از این میان حدود نیمی از تصاویر به نیشابور (و برخی دیگر شهرهای ایران)، و بقیه به عراق، مهد تمدن با شکوه اسلامی آن روزگار تعلق دارد. روشن است که به دلیل عمومی بودن دستور حجاب، گزاره‌های مرتبط با زیورآلات تنها شامل نمادهای بیرونی‌تر مانند دکوراسیون بازارها، فرش، پرده‌ها، کف‌پوش‌ها، رنگ‌ها (حنا)، بوها (گلاب) و تنوع پارچه‌ها بوده است.

۱۱ مورد مربوط به مشخصه‌ی چهارم، یعنی آداب و رسوم ازدواج بوده است که از این میان، ۲ مورد منفی، ۲ مورد خنثی و ۷ مورد باقیمانده مثبت هستند. جز دو مورد خنثای مربوط به کنیزکان که درباره‌ی ایران نیست، بقیه‌ی ۹ مورد منفی و مثبت به ایران اختصاص دارد. مقدسی مواردی را با دیده‌ی تعجب نگریسته که در آنها قوه‌ی انتخاب زنان زیر سؤال می‌رود، مانند نامجاز بودن ازدواج بیوه‌زنان و اجبار به ازدواج با غیربیگانه.

و سرانجام، ۴ مورد مربوط به مشخصه‌ی پنجم، یعنی باورها و خرافه‌های مربوط به زنان بوده است، که از آن میان ۲ مورد منفی، ۱ مورد مثبت و ۱ مورد نیز خنثی دیده شده است.

۱. «در بازار زن آراسته یافت نمی‌شود. کسی آشکارا با زنان گفتگو نمی‌کند.»

منابع و مآخذ

- ابن اخوه، محمدبن احمد قرشی، (۱۳۶۰)، *معالم القریه فی احکام الحسبه: آئین شهرداری در قرن هفتم*، ترجمه‌ی جعفر شعار، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن خردادبه، (۱۳۷۰)، *المسالك و الممالک*، ترجمه‌ی حسین قره چانلو، تهران: نشر نقره.
- ابن فضلان، احمدبن فضلان بن العباس بن راشد بن حماد، (۱۳۴۵)، *سفرنامه*، ترجمه‌ی ابوالفضل طباطبایی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- احمدی، نزهت، (۱۳۸۷)، *وقف و گسترش امور درمانی، با تکیه بر اسناد وقفی*، تهران، قم: انتشارات کومه.
- ایمانی فر (رویگر)، محمد، (۱۳۸۹)، *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در دوره‌ی آل بویه*، فارس: نشر مؤلف.
- یرگاری، صالح، منصوری، علی، (۱۳۹۰)، «رخداد فهم در احسن التقاسیم»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره‌ی ۱۶۳.
- حموی، یاقوت، (۱۳۸۰)، *معجم البلدان*، ۳ جلد، ترجمه دکتر علینقی منزوی، جلد اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- رحیمی فر، محسن، (۱۳۸۱)، «مقدسی و احسن التقاسیم»، *تاریخ پژوهی*، شماره‌ی ۱۲ و ۱۳.
- سیرافی، سلیمان تاجر، با گردآوری و اضافات ابوزید حسن سیراف (۱۳۸۱)، *سلسله التواریخ یا اخبار الصين و الهند*، ترجمه‌ی حسین قرچانلو، تهران: انتشارات اساطیر.
- طباطبایی، عطیه سادات، (۱۳۹۰)، «نقش و جایگاه زنان در قرن هشتم با تکیه بر سفرنامه‌ی ابن بطوطه»، *تاریخ پژوهی*، شماره‌ی ۴۹.
- الفخام، شاکر، (۱۳۸۴)، «مقدسی و کتاب احسن التقاسیم»، ترجمه‌ی حسین علینقیان، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره‌ی ۸-۹، خرداد و تیر، شماره‌ی ۹۲ و ۹۳.
- فدایی عراقی، غلامرضا، (۱۳۸۳)، *حیات علمی در عهد آل بویه*، تهران: موسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- فقیهی، علی اصغر، (۱۳۷۸)، *تاریخ آل بویه*، تهران: سمت.
- کاتب، فاطمه، (۱۳۹۶)، «تصویرشناسی میدان نقش جهان اصفهان از منظر سفرنامه‌های دوره‌ی صفوی»، *مبانی نظری هنرهای تجسمی*، شماره‌ی ۴.
- لسترنج، غی، (۱۳۷۳)، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه‌ی محمود عرفان،

- تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- منز، آدام، (۱۳۶۴)، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه‌ی علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران: امیرکبیر.
- مقدسی، احمدبن محمد شمس‌الدین، (۱۳۸۵)، احسن‌التقاسیم فی معرفه‌الاقالییم، ترجمه‌ی علینقی منزوی، تهران: کومش.
- موحد، محمد علی، (۱۳۴۸) سفرنامه‌ی ابن بطوطه، چاپ اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- نامور مطلق، بهمن، (۱۳۸۸)، «درآمدی بر تصویرشناسی، معرفی یک روش نقد ادبی و هنری»، ادبیات تطبیقی، مطالعات ادبیات تطبیقی، سال سوم، شماره‌ی ۱۲، صص ۱۱۹-۱۳۸.
- نامور مطلق، بهمن، (۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۳)، «مقدمه»، کتابچه‌ی همایش ادبیات تطبیقی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده‌ی ادبیات.
- نانکت، لاتیشیا، (۱۳۹۰) «تصویرشناسی به منزله‌ی خوانش متون معاصر فرانسه و فارسی»، ترجمه‌ی مزده توفیقی، کاوش‌نامه‌ی ادبیات تطبیقی، ۱/۲، پای‌ی ۳.